

نظری بمکتب ادیان و...

(۶)

تناسب نسخ با مطلبها

کشف حقیقت از لسان ائمه (ع)

تکمیل شریعت بوسیله پیغمبران پی در پی

* * *

تناسب نسخ با مطلبها

نا گفته نماند که بدنیال گفتار ما درباره استدلال و اثبات سابقه احکام ممکن است شبهه‌ای در ذهن خوانندگان این نشریه پدید آید که: باین بیان حساب نسخ بعضی از احکام که با ظهور پیغمبر و کتاب تازه‌ای اعلام میشده بلکه گاهی در یک شریعت اتفاق افتاده چه خواهد شد؟ و تناسبش با موضوع مورد بحث چیست؟ لذا شایسته است حل این اشکال را نیز نا گفته نگذاریم. در اینجاست مقتضی است نخست توضیحی درباره نسخ بدهیم تا حقیقت مطلب بخوبی روشن شود:

پوشیده نیست که بعضی از موجودات و یا افعال جزئی ممکن است بجهت یکمصلحت فعلی و موقت که برای بعضی از افراد و یا اجتماع دارد در مدت کوتاهی بر تمام یک امت یا بعضی از آنها حرام و یا واجب شود ولی پس از آنکه دوران آنمصلحت پایان پذیرفت آن حکم بصورت دیگری در آید که از آن تعبیر به نسخ میشود. مثلاً بعضی از عبادات سنگین مانند روزه وصال (۱) و روزه

(۱) روزه وصال ظاهر آدرامت حضرت عیسی و گویا اوایل بعثت خاتم انبیاء مشروع بوده و آن عبارت بوده از اینکه در نیت روزه، روز و شب را با هم قصد میکرده اند و یاد و سه روز متصل بیکدیگر قصد روزه می نموده اند و سپس در شرع اسلام نسخ شده و فعلاً مشروع نیست.

صمت (۱) بر مردم واجب و یا خوردن بعضی از غذاهای پاکیزه و حلال، بجهت توبیخ و گوشمالی بر بعضی حرام میشد چنانچه قرآن مجید حکایت میکند: **فبظالم من الذین هادوا حرمنا علیهم طیبات احوال لهم و بصددهم عن سبیل اللہ کثیراً (۲)** یعنی: «بسبب ستمی که روا داشتند، بر یهودیان حرام کردیم طیباتی را که حلال بود بر ایشان و بسبب جلو گیری بسیاری که آنان از راه خدا نمودند، ولی پس از مدت کوتاهی که آن صلاح دید خاتمه می یافت حکم تغییر میکرد و گرچه مردم در آغاز امر گمان میکردند آن حکم دائمی است اما در واقع مدت حکم کوتاه بوده است و لذا علماء فرموده اند که حقیقت نسخ ابداء است یعنی اظهار آنچه مردم نمیدانستند از کوتاهی مدت حکم، نه ابداء یعنی پشیمانی از وضع حکم و بر داشتن آن، زیرا ندامت و پشیمانی در مورد خداوند متعال محال است.

بنابراین پرواضح است که حساب نسخ این چنین احکام جزئی و موقت ابداء منافاتی با طلب و موضوع بحث ما که عبارتست از یکی بودن اصول دین و اصول احکام در شریعت تمام پیامبران برحق و فرستادگان خدا، ندارد، چنانچه بعضی از احکام ممکن است از نظر آنکه در زمانهای سابق موضوعی نداشته و یا موقعیت زمانی ایجاب نمی نموده قبلاً نباشد. مثلاً قبل از آنکه حضرت ابراهیم خانه کعبه را بسازد و یا حضرت داود و سلیمان بیت المقدس را بنا کنند برای حج و مقررات مخصوص آن موضوعی نبوده و شاید مراسم حج بنحوی دیگر و یا جای دیگری اجرا میشده است ولی در شریعت پیغمبر گرامی اسلام کلیه نواقص تکمیل و خصوصیات منظور گردیده است.

خلاصه جای تردید نیست که این نحو آزادی و بی بندوباری که فلادر میان مردمیکه امروز خود را بتورات و انجیل نسبت میدهند و بنام یهود مسیحی شهرت

(۱) صمت: سکوت و روزه صمت عبارت از آن بوده که صائم نیت نمیکرد در تمام مدت روز از سخن گفتن خودداری کند.

(۲) سوره نساء آیه ۱۵۸

دارند دیده میشود در امت پیغمبران گذشته نبوده و رسولان بر حق هر یک مردم را بمقررات ثابت و سنت‌های تغییر ناپذیر الهی دعوت مینموده‌اند و احکام حلال و حرام را برای مردم بیان می فرموده‌اند و این روش با تبدیل کتب و آمدن پیغمبران پی‌پی کاملاً تمییز شده تا در دین مقدس اسلام بکمال نهایی رسیده است .

کشف حقیقت از لسان ائمه (ع)

راجع باین مطلب روایات معتبری در اصول کافی (۱) تحت عنوان «باب من الله علی رسوله» ذکر شده که اینکه در مقام استدلال و تأیید برای استفاده علاقه‌مندان یاد آور می شویم: امام صادق (ع) میفرماید: ان الله تبارک و تعالی اعطی محمداً (ص) شرایع نوح و ابراهیم و موسی و عیسی علیهم السلام التوحید و الاخلاص و خلع الانداد و الفطرة الحنیفیة السمحة و لا رهبانیه و لا سیاحة احل فیها الطیبات و حرم فیها الخبائث و وضع عنهم اصهرهم و الاغلال الی کانت علیهم ، ثم افترض علیه فیها الصلوة و الزکاة و الصیام و الحج و الامر بالمعروف و النهی عن المنکر و الحلال و الحرام و الموارث و الحدود و الفرائض و الجهاد فی سبیل الله - الحدیث .

و خداوند عالم عطا فرمود به محمد (ص) (پیغمبر گرامی اسلام) شریعت‌های نوح و ابراهیم و موسی و عیسی (ع) را از اصول و فروع که عبارتست از خدایا به یگانگی شناختن و برای او شریک نیابردن و از بین بردن شبیه و مانند برای

(۱) کافی یکی از آن چهار کتابی است که روایات معتبره شیعه در آنها جمع آوری شده و از آنها بکتاب اربعه تعبیر میشود (۱ - کافی ۲ - من لا یحضره الفقیه ۳ - تهذیب ۴ - استبصار) و کتاب مزبور اول آنهاست و آن جلیلیترین کتب شیعه و با عظمت‌ترین مصنفات امامیه است و مؤلف آن ثقة الاسلام محمد بن یعقوب کلینی متوفی سنه ۳۲۸ هجری می باشد و قبرش نزدیک جسر بغداد است و وطن اصلی او کلین [بروزن زیر] از قراء فشافویه در حوالی ری است و قبر پدرش یعقوب نیز آنجاست و این کتاب دو بخش است: اصول و فروع

خداوند و اختیار کردن روش فطری مستقیم و آسان ، و ترك دوری از اجتماع و بیابان گردی ، و حلال فرموده در آنشرایع پاکیزه هارا و حرام فرموده پلیدیها را و فرو نهاده از ایشان تکالیف سنگین و مشکلاتی را که قبلا بر آنها بوده است سپس واجب فرمود بر او در آنشرایع ، نماز و زکاة و روزه و حج و امر بمعروف و نهی از منکر را و برقرار ساخته احکام حلال و حرام و ارث بردن و مقررات حدود و قوانین جزائی و پیکار کردن در راه خدا را ...

تکمیل شریعت بوسیله پیغمبران پی در پی

کتابخانه مدرسه فیضیه قم

در روایت دیگر از طریق صحیحی که بکلینی رسیده نقل میکنند از سماعة بن مهران که یکی از اصحاب برجسته امام صادق (ع) بوده که گفت : از آن حضرت پرسیدم درباره قول خدای تعالی **فاصبر كما صبر اولو العزم من الرسل** (۱) خداوند به پیغمبر عظیم الشأن اسلام امر میفرماید : صبر کن همچنانکه پیغمبران اولو العزم شکیبائی و رزیدند الخ ، که اولو العزم کیانند؟ حضرت فرمود : **نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد صلوات الله علیه و علیهم** . گفتم چگونه آنان او العزم شدند ؟

در جواب فرمود : **فمن جعل له كتاب وشريعة وكل من جاء بعد نوح اخذ بكتاب نوح وشريعته ومنها جه حتى جاء ابراهيم بالصحف وبعزيمة ترك كتاب نوح لا كفرأ به فكل نبى جاء بعد ابراهيم اخذ بشريعة ابراهيم ومنها جه وبالصحف تا آخر حدیث . یعنی نوح چون از جانب خداوند مبعوث شد کتاب و شریعتی برای مردم آورد و هر که بعد از او آمد اخذ بکتاب و شریعت و روش او نمود تا آنکه حضرت ابراهیم مبعوث شد و صحف (۲)**

«بقیه در صفحه ۳۴»

(۱) سوره احقاف آیة ۲۵

(۲) صحف بضم اول و ثانی ، جمع صحیفه و آن عبارتست از کتیبه و مطالبی که بر قطعه پوست و یا کاغذی نوشته شده باشد و مراد در اینجا صحیفه هابست که برای حضرت ابراهیم نازل شده و آنها بنا بر آنچه از پیغمبر اکرم نقل شده تعدادی صحیفه بوده که همه آنها عبارت از مواظ و امثال بوده و لذا از کتاب ابراهیم بصحف تعبیر شده است .